

کل باپوچ بازی کردن ساترا بر سر امنیت فرهنگی

در جریان فتنه و آشوب سال ۱۴۰۱، چهره‌های بسیاری در فضای مجازی برای حمایت از آشوبگران و تهییج جوانان در حال فعالیت بودند. یکی از این چهره‌ها «هیک یوسفی» بود که با انتشار پست‌های متوالی ضمن فحاشی و توهین به مدافعان امنیت سعی داشت با کشاندن برخی افراد نا آگاه به کف خیابان برنامه سرویس‌های جاسوسی را که برای به آشوب کشاندن کشورمان طرح‌ریزی‌های زیادی کرده بودند تسهیل کند. طرفه اینکه این شخصی به عنوان کارگردان برنامه «گل با پوچ» که قرار است تا چند روز دیگر توسط سکوی فیلیمو در شبکه نمایش خانگی عرضه شود، حضور دارد. روی انتشار پست‌های تهییج کننده‌ای حتی به افرادی که در برخی مناطق خاص مشغول آشوب بودند و جا و مکانی نداشتند، آدرس خانه‌های تیمی را می‌داد. نکته جالب اینجاست در همان زمانی که او شب‌ها را در خیابان می‌گذازند و جوانان را به مبارزه ترغیب می‌کرد، هم‌زمان در حال فعالیت و همکاری با یکی از سکوهای شبکه نمایش خانگی بود. یوسفی در همان ایام پستی از مسیح علی‌نژاد را استوری کرده بود و در توضیح آن نوشته بود: «من مرده شما زنده، این ورق برمی‌گردد … (یعنی نظام سقوط خواهد کرد) ولی دیگه سوراخ موش هم برای شماها جای امنی نخواهد بود. با ندنودن زمین‌ها را می‌کنیم تا پیداتون کنیم.»

با این توضیحات این سؤال اساسی مطرح می‌شود که چگونه ممکن است فردی که علیه نظام فعالیت کرده تا جایی که مدعی ارائه آدرس خانه‌های تیمی برای آشوبگران هم داشته و همنا با برخی از رهبران خود خوانده جریان آشوب دو سال پیش نقش آفرینی کند بیاید و کارگردانی یک اثر را انجام بدهد و کسی هم پاسخگوی آن نباشد؟! سائترا به عنوان یکی از نهادهای نظارتی و تنظیم‌گر در حوزه رسانه‌های تصویری، مسئولیت بررسی و نظارت بر محتواهای تولید شده از سوی سکوهای مختلف را بر عهده دارد. چرا ساترا که در مقابل برخی سکوها و تولیدکنندگان محتوا مَر قانون را اجرا می‌کند، در مقابل فردی که به‌وضوح علیه نظام فعالیت‌های ضد امنیتی داشته، دچار تساهل و تسامح شده‌است؟ چرا در مقابل تخلفات آشکار یک سکوی نمایش خانگی صدایی از جانب دستگاه‌های مسئول، به‌خصوص ساترا به گوش نمی‌رسد و مردم شاهد تبلیغات کاری هستند که کارگردانش در جریان فتنه دو سال پیش نقش آفرینی داشته‌است.

به نظر می‌رسد این وضعیت نیازمند بررسی دقیق و پاسخگویی از سوی نهادهای نظارتی است تا مشخص شود چگونه فردی که علیه نظام فعالیت کرده، می‌تواند بدون کم‌ترین هزینه‌ای مشغول فعالیت باشد؟

سینما فرهنگ برای میزبانی جشنواره

فجر آماده می‌شود



سینما فرهنگ برای میزبانی جشنواره فجر آماده می‌شود

مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در بازدید از زیرساخت‌های فنی و زیربنایی سینما فرهنگ تهران، به مدیر این سینما ماموریت داد اقدامات لازم را برای بهینه‌سازی سالن‌ها و میزبانی شایسته در جشنواره فجر ۴۳ فراهم کند. به گزارش جوان به نقل از روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، سینما فرهنگ از سرمایه‌های زیرساختی بنیاد سینمایی فارابی است که از سال ۱۳۹۹ از این بنیاد جدا شده بود اما با پیگیری و برنامه‌ریزی جدید، پس از ۱۰ سال مدیریت و نظارت آن به بنیاد فارابی بازگشت. مجیدزین‌العابدین مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در بازدید از زیرساخت‌های فنی و زیربنایی سینما فرهنگ تهران، به فراد هوشیار پارسیان مدیر این سینما ماموریت داد تا اقدامات لازم را برای بهینه‌سازی سالن‌ها و میزبانی شایسته در جشنواره فجر ۴۳ فراهم کند. زین‌العابدین از روال‌ها و نقش مهم و اثرگذار مجموعه خاطره انگیز سینما فرهنگ در ایام برگزاری جشنواره فیلم فجر در سال‌های نه چندان دور، ضرورت بهینه‌سازی سینما تا زمان آغاز چهل و سومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را یادآور شد و از چهره‌های کارکنان این مجموعه سینمایی درخواست کرد همه تلاش خود را برای رسیدن به این هدف به کار گیرند. وی اظهار امیدواری کرد سینما فرهنگ بتواند در کوتاه‌ترین زمان در شمار سینماهای پرمخاطب در چرخه‌اکران قرار گیرد تا از این طریق بنیاد سینمایی فارابی علاوه بر جریان تولید از چرخه‌اکران نیز حمایت کند. سینما فرهنگ تهران با سه سالن مجزا، ۶۰۰ صندلی ظرفیت دارد و از اردیبهشت ماه امسال فعالیت‌های این مجموعه سینمایی مجدداً زیر نظر بنیاد سینمایی فارابی انجام می‌شود.

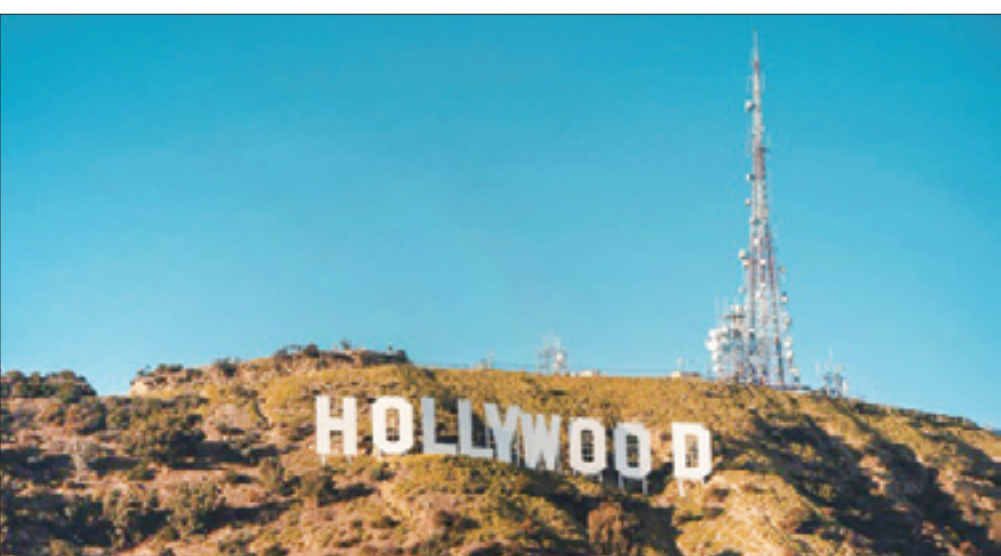
تجسمی



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهارهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰-۸۸۵۴۸۸۴۶۶ فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۰۸۳ | پنج‌شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۳ | ۱۹ محرم ۱۴۴۴ | اذان ظهر: ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۱۴ | اذان مغرب: ۱۹:۴۴ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۲۲ | اذان صبح فردا: ۰۳:۲۹ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۰۸



هالیوود برهنگی را به سلیقه مردم ۴۰درصد کاهش داد

نتایج یک تحقیق روی ۲۵۰ فیلم پر درآمد در امریکا نشان می‌دهد میزان صحنه‌های جنسی و برهنگی در فیلم‌های برتر هالیوود از سال ۲۰۰۰ تقریباً ۴۰درصد کاهش یافته و این متأثر از سلیقه و ذائقه جدید مردم امریکا بوده است

تعاملات فیزیکی در فیلم‌های هالیوودی، گفته است در حالی که هنوز امکان تصویربرداری اخلاقی از صحنه‌های آشکارا جنسی در هالیوود وجود دارد، اما گاهی اوقات فیلمبردار ی کل صحنه‌ها به توصیه همکارانش متوقف می‌شود، زیرا این سکانس‌ها باید «در خدمت شخصیت و داستان سرایی» باشد و منطقی در گنجاندن آنها در اثر وجود داشته باشد.

سایت سینمایی مووی گاید نیز با تأکید بر اینکه ۲۰ سال است در گزارش‌های سالانه خود درباره صنعت سرگرمی خاطر نشان کرده که رابطه جنسی صریح برای جذب مخاطب عام، ناقوس مرگ سینما محسوب می‌شود، نوشت در واقع «یک داستان یامزه از عشقی سرخوشانه» مخاطب عام را بیش‌تر جذب می‌کند؛ بنابراین نادیده گرفتن رابطه جنسی صریح منطقی تر است.

نسل‌م‌دیگر به عربانی علاقه‌ای ندارد
نتایجی که سال گذشته از پژوهشی در دانشگاه لس آنجلس به دست آمد نیز نشان داد نسل «زد» (که شامل افراد ۱۴ تا ۳۰ ساله‌است) تمایلی به دیدن صحنه‌های جنسی ندارند و بیشتر از تماشای چیزی شبیه به زندگی خودشان که شامل روابط عاشقانه کمتری است، لذت می‌برند. ۴۸ درصد از این افراد احساس می‌کنند که در قسمت اول اغلب سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌ها نیازی به تولید محتوای جنسی نیست و این درحالی‌است که بیش از ۵۱ درصد اشخاص تمایل دارند دوستی‌ها و روابط افلاطونی را تماشا کنند. فالوژ تأکید کرد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ فیلم‌های فاقد رابطه جنسی یا برهنگی از ۲۰ درصد به ۵۰ درصد افزایش یافته‌است. همچنین براساس داده‌های این تحقیق، تعداد فیلم‌های پر فروش بدون محتوای جنسی از حدود ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۶ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته‌است.

حذف صحنه‌های جنسی به سود درام

دیگر را در پیش گرفته است. مسیری که با فطرت انسان تناسب بیشتری دارد.

ذائقه‌ای که جامعه امریکا ایجاد کرد
آنچه سال‌ها در هالیوود، این صنعت بزرگ سرگرمی‌ماز جهان، با درآمذایی آثار از تباط مستقیمی داشته‌است، استفاده از جذابیت‌های جنسی و اروتیک در آثار سینمایی و تلویزیونی بود. اما بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که مخاطبان به تدریج دیگر ذائقه خود را به دست تهیه‌کنندگان نسپرده‌اند، بلکه بسا انتخاب محتوایی که چیزی فراتر از دستمایه‌های جنسی برای ارائه دارند، خط مشی هالیوود را به نظر دیگری سوق داده‌اند. به‌سز می‌رسد «نه» بزرگ مخاطب به کلیشه‌های جنسی و انتخاب آگاهانه آثار خلاق و دارای درونمایه هنری، چالش جدیدی در هالیوود، این نماد صنعت فیلم‌سازی، رقم زده است. آنها که در دورانی توانستند با استفاده از عناصر جنسی به اهداف اقتصادی خود نزدیک‌تر شوند، اکنون باید تن به خواست تماشاگر بدهند و خلق یک اثر را از مسیری به دور از محتوای جنسی صرف دنبال کنند.

بازگشت هالیوود به ارزش‌های خانواده
در جعت به ارزش‌های خانواده می‌تواند ناشی از رویکرد جامعه امریکا به سمت معنویت‌خواهی باشد و جالب است که این روند بر خلاف مشی است که رسانه‌های بزرگ کشورهای غربی به آن دامن زده‌اند. سینمای امریکا طی دو دهه اخیر تلاش بسیاری در فاصله گرفتن از نمادهای مسیحیت به خرج داد اما این مسیحیت گریزی یا مسیحیت‌ستیزی که گاهی به شکل عیان و گاه به شکلی نمادین خود را نشان می‌داد اتفاقا ذائقه جامعه امریکا را نه به سمت و سوی مورد علاقه‌ی شش نفر در بخش مبتدی لوح کرد که ناشی از بیدار شدن فطرت‌هایی بود که در بطن این جامعه قرار داشت، به عبارتی دیگر رسانه‌های بزرگ در مسیحیت‌ستیزی راه خود را رفته‌اند و جامعه امریکایی ناخودآگاه مسیری

یادداشت — مصطفی شاه‌کرمی

کل باپوچ بازی کردن ساترا بر سر امنیت فرهنگی

نما | حسین کشکار



دریچه

مراسم تشییع پیکر زنده یاد سعید راد بازیگر سینما و تلویزیون برگزار شد

گلایه فرزندان سعید راد از برخی قضاوت‌ها

ایشان را منتقل کنیم اما متأسفانه قضاوت کردن برای برخی آدم‌های بی‌فکر عادت شده است، در حالی که این موضوع خط قرمز پدرم بود و چه حیف که این «صادق کرده» را باز هم رها نکردند.

او افزود: پدرم هر روز می‌رسید نگاه، من خوب می‌شوم؟ و افسوس که این انتظار بی‌جواب بود. او دوست نداشت در این دوران کسی او را ببیند، چراکه سعید راد سینما بود. در این مدت، خبر در گذشت برخی همکارانش او را خیلی ناراحت کرد ولی نمی‌توانست حرفی بزند.

در بخش دیگری از این مراسم کامران ملکی که اجرای آیین وداع را نیز بر عهده داشت، گفت: بهار سال ۱۳۷۹ قرار بود دفتر نمایندگی خانه سینما در جزیره کیش افتتاح شود حدود صد سینماگر مهمان این مراسم در فرودگاه مهرآباد برای اولین بار با چهرای آشنا مواجه شدند که پس از سال‌ها به میهن بازگشته بود. سعید راد همان زمان خانه سینمایی شد و تا امروز که پیکرش از این خانه شایعت می‌شود همواره یکی از اعضای گرمای و مورد احترام این نهاد صنفی بود. سپس علی دهکردی مدیرعامل خانه سینما نیز در سخنان کوتاهی گفت: در ضیافت کپکشانای امروز فردین بزرگ، ناصر ملک مطیعی بزرگ و دیگر ستاره‌های مطرح سینما میزبان یک ابر ستاره و همیشه ستاره هستند. سینما یکی از ستاره‌های تابناک خود را از دست داده ولی این ستاره خاموش شدنی نیست. سعید راد تاابد ستاره رعنا و بالا بلند سینما باقی خواهد ماند.

محمد مهدی عسگرپور، رئیس هیئت مدیره خانه سینما نیز در این مراسم بیان کرد: سعید راد فردی عاشق وطن و جدی در کار بود که این معجون بسیار ارزشمند است.

پژمان بازغی، رئیس انجمن بازیگران خانه سینما هم بیان کرد: اولین فیلمی که آقای راد پس از ۱۸ سال بازی کردند، فیلمی بود که بنده با ایشان همکاری کردم و افتتاح همکاری داشت. ستارگان سینمای ایران روشنگر راه جوانان در سینما هستند. تعجب می‌کنم چرا چهره‌های جوان‌تر را در این مراسم نمی‌بینم. امیدوارم بچه‌ها بیشتر در این گونه مراسم شرکت کنند.

در انتهای مراسم، اقامه نماز بر پیکر سعید راد انجام شد و سپس پیکر این هنرمند برای خاکسپاری، به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) بدرقه شد تا بنابر وصیت خودش در کنار محمدعلی فردین به خاک سپرده شود.

ادبیات

یوسفعلی میرشکاک:

نثر آهنگین عطار بر نثر موزون ابراهیم گلستان تأثیر گذاشت

عقبت را به کار ببنداز و فرنگیس را به عقد سپاوش در بیاور. این پژوهشگر دامه داد: هنگامی که سپاوش شهر ویژه و شگفت‌آور خود را می‌سازد، با اینکه خود می‌داند فرجامش چیست از موبدان می‌خواهد که طالع شهر و فرجام آن را گزارش کنند و موبدان هم می‌گویند این شهر نامبارک است. هنگام بازید پیران و سپاوش از شهر، پیران از شگفتی‌های شهر شامدان است اما سپاوش به گریه می‌افتد و از کشته‌شدن خود به دست افراسیاب سخن می‌گوید. پیران با خود می‌اندیشد اگر چنین اتفاقی بیفتد من مقصرم که او را به توران زمین کشاندم و حرف افراسیاب را باور نکردم. بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده عقل متعارف با سرنوشت می‌جنگد اما کسی که از فزه خرد بر تر بهتر مند است و از فرجام خود با خبر است، تسلیم سرنوشت می‌شود. وی همچنین در سی‌وپنجمین نکرده، بعد طبق معمول خردچراغاندیش و تدبیرگر خود را با این بندار می‌فرید که سپاوش به غم غربت و دوری از ایران دچار شده که چنین می‌گوید. میرشکاک گفت: جالب اینجاست، نه خرد یا گلستان متراف و نه خرد برتر، که به عواقب امور واقف است، هیچ تغییری نمی‌توانند در سرنوشت ایجاد کنند. اما تفاوت این دو خرد در این است که درازنده